

واکاوی مبانی و رویکردهای رجالی آیت‌الله هاشمی شاهرودی^{رحمته‌الله}

عباس خورشیدی فرد^آ، مهدی غلامعلی^۳

چکیده

مسئله اصلی این مقاله، واکاوی مبانی و رویکردهای رجالی آیت‌الله هاشمی شاهرودی است. برای دستیابی به این مهم، تقریرات نه سال آخر دروس خارج فقه ایشان بررسی شد. به طور کلی مبانی فکری آیت‌الله شاهرودی در اعتبار سنجی حدیث را می‌توان به دو دسته کلی «مبانی رجالی» و «مبانی مصطلح الحدیثی» تقسیم کرد. رویکرد اصلی ایشان در اعتبار سنجی روایات بر اساس «وثاقت صدوری» است؛ البته ایشان ابتدا به بررسی سندی می‌پردازد و سپس به قراین دیگر روی می‌آورد. بنابراین وی علاوه بر بررسی سندی احادیث، اجماع علما، عمل اصحاب و یا اعراض از آن را مد نظر قرار می‌دهد. بر این اساس، گاهی از روایت صحیح السند به جهت دلالتی و موارد

۱. تاریخ دریافت: ۴۰۱/۶/۱

تاریخ تأیید: ۴۰۱/۶/۱۹

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران. (نویسنده مسئول)

yazahra.a.110@gmail.com

mahdigh@gmail.com

۳. استادیار گروه حدیث دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران.

وثاقت صدوری چشم پوشی می‌کند. آیت‌الله شاهرودی در دامنه توثیقات عام، قائل به پذیرش قاعده توثیق مشایخ ثقات ثلاثه، توثیق مشایخ علی بن ابراهیم، نقل اجلا و توثیق خاندان آل ابی شعبه است و در مقابل، اعتبار مراسیل ابن ابی عمیر را بر نمی‌تابد و در پذیرش قاعده توثیق راویان کامل الزیارات، مردد است.

واژگان کلیدی: هاشمی شاهرودی، مبانی رجالی، اعتبار سنجی حدیث، سند، وثاقت صدوری.

مقدمه

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی رحمته‌الله در سال ۱۳۲۷ش در شهر نجف به دنیا آمد و در دی ماه سال ۱۳۹۷ش به لقاء الله پیوست. پدرش، آیت‌الله سید علی حسینی شاهرودی، از شاگردان برجسته آیت‌الله خوئی بود که بحث‌های اصول و فقه استاد خود را به رشته تحریر درآورد. ایشان با توجه به موقعیت علمی-خانوادگی، و نیز با توجه به هوش و استعداد سرشار و کوشش فراوان خود، در مدتی اندک توانست دروس دوره سطح را به پایان رساند. پس از آن به حلقه درس آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر پیوست و سال‌ها در خدمت استاد خود، مبانی اجتهاد در اصول و فقه را به خوبی آموخت و در درس دیگر مراجع آن روز نجف از جمله امام خمینی و آیت‌الله خوئی نیز با جدیت شرکت جست، و بهره‌های فراوان برد.

از ایشان تألیفات متعددی به یادگار مانده است، از جمله: بحوث فی علم الاصول (تقریرات درس‌های اصول شهید صدر) در ۷ جلد، کتاب الخمس در ۲ جلد، کتاب الزکاة در ۴ جلد، منشور سیاست و...^۱ بررسی مبانی رجالی فقها و استخراج نظرات از لابه‌لای مباحث ایشان، امری است که می‌تواند پژوهشگران را به سبک‌های مختلف اعتبار سنجی احادیث رهنمون سازد. یکی از علمایی که در تدریس خود دقت‌های رجالی شایسته‌ای داشته است، آیت‌الله هاشمی

رجالی
پژوهش‌ها

سال چهارم، شماره ۴، سال ۱۴۰۰

۱. ایشان همچنین فعالیت‌های سیاسی و مسئولیت‌های مختلفی داشت که می‌توان به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، ریاست قوه قضائیه، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، عضو مؤسس جامعه روحانیت مبارز عراق، مؤسس و رئیس مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اشاره کرد.

شاهرودی است. با تتبع در تقریرات ایشان می‌توان به این نظرات دست یافت و با دسته‌بندی مشخص، آن را ارائه نمود.

اهمیت این بررسی از آن رو است که وی دانش آموخته حوزه علمیه نجف بوده، ولی تدریس سطوح عالی را در قم تجربه کرده است؛ و به نظر می‌رسد که در اعتبار سنجی روایات، روشی میانه دو حوزه را برگزیده است.

پیشینه

با جستجویی که در وبگاه‌های مربوط به علوم انسانی-اسلامی صورت گرفت، ملاحظه شد که خوشبختانه کتب متعددی از آیت‌الله شاهرودی و یا درباره ایشان در دامنه مباحث فقهی، سیاسی و جهان اسلام منتشر شده است، اما متأسفانه نوشتاری در خصوص مبانی رجالی ایشان یافت نشد. از این رو شاید بتوان نوشتار حاضر را نخستین مقاله در حوزه بررسی مبانی رجالی آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی دانست؛ بنابراین احتمال خطا و دست نیازیدن به برخی نکات رجالی در این نوشتار متوقع است.^۱

پژوهش پیش رو حاصل کاوش در متون تقریرات نه سال دروس خارج فقه ایشان (از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ ش) برای نیل به اندیشه‌های رجالی آن مرحوم است.^۲

مفهوم شناسی

پیش از ورود به مباحث اصلی مقاله، شایسته است دو واژه «مبانی» و «تقریر»، به اختصار تبیین شود. «مبنا» در لغت به معنای بنیاد، اساس و پایه است^۳ و در جستار حاضر مقصود از مبنا، پایه‌ها و ارکان اندیشه‌های رجالی مرحوم شاهرودی است که در اعتبار سنجی روایات، همواره بر آن مبانی پایبند بوده‌اند. به بیان دیگر، مبناهای رجالی، مجموعه اصولی است که

۱. مکاتبه‌ای هم از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی مرحوم شاهرودی انجام شد، تا در صورت وجود نوشتاری مدون از فرمایشات ایشان، بتوانیم استفاده کنیم، اما تا زمان نگارش این مقاله (۲۲ بهمن ۱۴۰۰) یاسخی دریافت نشد.
۲. تقریرات معظم له از پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان به آدرس hashemishahroudi.org مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. دهخدا، لغت نامه، ج ۱۲، ص ۱۷۷۵۹.

کاربست آن در ارزیابی روایات، منتج به پذیرش، سکوت، یا رد روایت می‌شود و فقیه، بر اساس آن حکم صادر می‌کند.

«تقریر» نیز از واژه‌های پر بسامد در این مقاله است. به نگارشی که از دروس اساتید برجسته حوزوی، توسط شاگردان انجام می‌پذیرد، تقریر گویند. تقریر نویسی، شیوه‌ای است که از دیرباز در دروس علمای دین مرسوم بوده، و به روش‌های گوناگونی انجام می‌شده است. به نظر می‌رسد آنچه از دروس استاد هاشمی شاهرودی تقریر شده است، پس از کلاس، توسط برخی شاگردان، منقح و پیراسته گردیده، و با قلمی شیوا و با نگارش درست منتشر شده است که این نکته بر غنای مطالب افزوده است و از این تقریرات در مقاله حاضر بهره گرفته شده است.

ارزش‌گذاری آرای فقها

پیش از ورود به بحث، ضروری است که اهمیت توجه به کلمات فقها و پرداختن به آرا و اندیشه‌های آنان را از نگاه آیت الله شاهرودی بدانیم. ایشان توجه به کلمات فقها در فقه را از سه جهت مهم می‌شمارد؛ جهت اول اینکه با مراجعه به کلمات قدما تسالم‌ها و اجماع‌های فقهی و شهرت‌های قوی مشخص می‌شود. جهت دوم را از زاویه دانش رجال نگرسته، و دیدگاه‌های مختلف را در این زمینه بیان می‌دارد. برخی، اعراض مشهور از قدما را موجب وهن حجیت سند، و یا برعکس، عمل مشهور به خبری که سندش ضعیف است را موجب جبران ضعف آن خبر می‌داند. می‌دانیم که این مسأله یک بحث اختلافی است و بعضی هر دو را قبول دارند و بعضی دیگر هر دو را رد می‌کنند، و برخی دیگر قائل به تفصیل‌اند، که آیت الله شاهرودی نظر سوم را برمی‌گزیند؛ یعنی اعراض مشهور قدما از خبر ثقه را موهن می‌داند، ولی قائل است که عمل مشهور، جبران‌کننده ضعف سند نیست^۱ و تشخیص اعراض یا عمل مشهور، نیاز به مراجعه کلمات علما، به ویژه کلمات فقها دارد. جهت سوم نیز به استظهار فقیه از آیه و یا روایت اشاره دارد.^۲

۱. پایگاه اطلاع رسانی آیت‌الله هاشمی شاهرودی، استفتانات، ۵ / فوریه/۲۰۲۲،
<http://www.hashemishahroudi.org/fa/questions/381>
۲. تقریرات درس خارج فقه، جلسه ۱۳۱، ۸۹/۹/۲.

معیار حجیت قول رجالی

در خصوص حجیت قول رجالیان، دست کم چهار دیدگاه مطرح است که سخن رجالی بر چه اساس و مبنایی باید پذیرفته شود.^۱ گاهی سخنان رجالیان درباره یک راوی متفاوت است. برخی او را مدح، و برخی او را جرح کرده‌اند. این گونه اقوال در مواردی قابل جمع است و گاهی به گونه‌ای منجر به تعارض می‌شود که نمی‌توان آنها را جمع کرد. آیت‌الله شاهرودی در این مقام به عدم ثبوت وثاقت می‌رسد و در تعارض میان اقوال بیان می‌دارد: «جایی که شهادت به تضعیف باشد، با شهادت به توثیق معارضه می‌کند و بعد از تعارض، هر دو شهادت تساقط می‌کنند و نتیجه، عدم ثبوت وثاقت است.»^۲ از این عبارت می‌توان به دست آورد که از نگاه ایشان قول رجالی از باب «شهادت» حجت است.

نمونه دیگر در خصوص شهادت قول رجالی، سخن ایشان درباره محمد بن فضیل است. ایشان درباره این راوی می‌گوید: «اگر شیخ طوسی در ذکر محمد بن فضیل در اصحاب امام رضا علیه السلام نمی‌گفت «یرمی بالغلو»، به این تضعیف می‌توانستیم اخذ کنیم و بگوییم این شهادت به تضعیف است. اما به قرینه «یرمی بالغلو» می‌فهمیم این تضعیفی که ایشان در باب اصحاب امام کاظم علیه السلام می‌گوید، برخاسته از همین تضعیف است. بنابراین تضعیف از نظر اعتقاد است، نه از نظر وثاقت.»^۳

روش اعتبار سنجی احادیث

با تتبع در بیانات رجالی ایشان، ثابت می‌شود که از دو مبنای وثاقت و ثبوت یا وثاقت صدور، ایشان وثاقت صدور را است. آیت‌الله شاهرودی ذیل بحث زکات، تعدد و کثرت روایات یک موضوع را اطمینان‌آور می‌داند. یعنی فقیه به این نتیجه می‌رسد که برخی از آنها

۱. ن.ک: دلبری، آشنایی با اصول علم رجال، ص ۷۵.

۲. تقریرات درس خارج فقه، جلسه ۹، ۸۸/۷/۲۵.

۳. همان؛ شایان ذکر است که به لحاظ فقه الحدیث آیت‌الله شاهرودی در هنگام بحث از روایات زکات، در مقام تعارض و بررسی روایات از منابع مختلف، قائل به اضبط بودن کلینی نسبت به شیخ طوسی است و روایات مرحوم کلینی را دقیق‌تر می‌داند. همان، جلسه ۵، ۸۸/۷/۱۴.

از معصومین علیهم‌السلام صادر شده است، و اگر از نظر سند هم قطع به صدور بعضی از آنها پیدا شود، می‌توان روایت را معتبر دانست.^۱

به عبارت دیگر، در صورت وجود قراین مختلف مبنی بر صدور حدیث، امکان عمل به روایت وجود دارد؛ هرچند ممکن است سند برخی از آنها قابل تأمل باشد. حتی ایشان روایتی^۲ را که سندش مرسل باشد، خوب قلمداد نموده و از آن برای تشکیل استفاضه بهره می‌برد.^۳ همچنین مرحوم شاهرودی به آرای استاد خود، آیت‌الله خوئی توجه ویژه‌ای دارد.^۴ البته این بدان معنا نیست که به طور کامل تحت تأثیر نظرات ایشان قرار گیرد؛ چه اینکه در موارد مختلف نظرات استاد فقیدش را نقد کرده و نپذیرفته است.^۵

در ادامه، ابتدا دیدگاه‌های ایشان در عرصه توثیقات عام بررسی، و سپس بررسی‌های سندشناسانه ایشان ارائه می‌شود.

۱. قواعد توثیقات عام

قواعد کلی توثیق که در آنها نام شخص خاصی یاد نشده و تنها به یادکرد عنوان کلی بسنده شده است را توثیق عام می‌گویند. مراد از توثیق عام، تنها عناوین کلی با مصادیق فراوان نیست؛ بلکه گاه قانونی کلی نیز، که مصادیق اندکی دارد، در این دایره قرار می‌گیرد.^۶ در یک

۱. همان، جلسه ۳، ۸۸/۷/۱۲؛ همان، جلسه ۱۹، ۸۸/۸/۱۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۴۱: معانی الأخبار عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَطَّارٍ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ أَبِي الْحَجَّاجِ عَمَّنْ سَمِعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الزَّكَاةِ مَا يَأْخُذُ مِنْهَا الرَّجُلُ وَقُلْتُ لَهُ إِنَّهُ بَلَّغْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ تَرَكَ دِينَارَيْنِ فَهَمَّا كَيَّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ قَالَ فَقَالَ أَوْلَيْكَ قَوْمٌ كَانُوا أَضْيَافًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَإِذَا أَمْسَى قَالَ يَا فُلَانُ أَذْهَبَ فَعَشَ هَذَا وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ يَا فُلَانُ أَذْهَبَ فَعَدَّ هَذَا فَلَمْ يَكُونُوا يَخَافُونَ أَنْ يَصْبَحُوا بَغِيرَ غَدَاءٍ وَلَا بَغِيرَ عَشَاءٍ فَجَمَعَ الرَّجُلُ مِنْهُمُ دِينَارَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِيهِ هَذِهِ الْمَقَالَةُ وَ إِنْ النَّاسُ إِنَّمَا يَعْطُونَ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ فَلِلرَّجُلِ أَنْ يَأْخُذَ مَا يَكْفِيهِ وَيَكْفِي عِيَالَهُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ».

۳. تقریرات درس خارج فقه، جلسه ۲۵۸، ۹۰/۱۲/۱۴.

۴. همان، جلسه ۸، ۸۸/۷/۲۰؛ همان، جلسه ۹، ۸۸/۷/۲۵؛ همان، جلسه ۱۱۴، ۸۹/۷/۲۵؛ همان، جلسه ۱۱۹، ۹۴/۱۰/۲۱؛ همان، جلسه ۱۲۰، ۸۹/۸/۹؛ همان، جلسه ۱۶۸، ۹۵/۶/۲۹؛ همان، جلسه ۱۸۷، ۹۰/۲/۳۱؛ همان، جلسه ۲۵۰، ۹۰/۱۱/۲۹؛ همان، جلسه ۲۸۴، ۹۱/۲/۳۰؛ همان، جلسه ۴۷۶، ۹۳/۲/۳۰.

۵. همان، جلسه ۵، ۹۳/۷/۲۶؛ همان، جلسه ۱۹، ۸۸/۸/۱۱؛ همان، جلسه ۱۸۲، ۹۵/۸/۱۶؛ همان، جلسه ۲۸۶، ۹۱/۳/۱.

۶. رحمان ستایش، قواعد توثیق راویان، ص ۵۳.

دسته‌بندی کلی، می‌توان قواعد کلی توثیق را از نظر نوع مستندات و شکل‌های مختلف استدلال، به چهار دسته تقسیم کرد.

الف) توثیق راویان کتاب‌ها

یکی از مواردی که ذیل توثیقات عام گنجانده می‌شود و دارای قواعد و اصولی است، توثیق راویان کتاب‌هاست. نویسندگان برخی کتاب‌ها، وثاقت راویان موجود در کتاب‌شان یا وثاقت مشایخ بدون واسطه خود را ادعا کرده‌اند.

اول. توثیق راویان تفسیر علی بن ابراهیم قمی: نظریه توثیق راویان علی بن ابراهیم بن هاشم در تفسیر منسوب به وی از دیدگاه‌های مشهوری است که پذیرش آن همواره محل اختلاف بوده است. مستند این دیدگاه عبارت مؤلف در مقدمه کتاب است که می‌نویسد: «و نحن ذاکرون و مخبرون بما ینتهی إلینا و رواه مشایخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتهم»^۱. گروهی از محدثان پیشین، نظیر شیخ حر عاملی^۲، و از رجالیان معاصر محقق خویی این قاعده را پذیرفته‌اند.^۳

از دیرباز در انتساب کل کتاب موجود به علی بن ابراهیم و انتساب مقدمه به وی، تردیدهایی وجود داشته است. نظریه نخست کل کتاب و مقدمه را از علی بن ابراهیم می‌داند. نظریه دوم کتاب حاضر را آمیخته‌ای از دو کتاب تفسیر قمی و تفسیر ابوالجارود برمی‌شمارد که توسط ابوالفضل العباس گردآوری شده است.^۴ و نظریه سوم نیز کتاب حاضر را اثر علی بن حاتم قزوینی می‌داند.^۵ وانگهی در میان کسانی که قاعده توثیق را در این کتاب پذیرفته‌اند، دو برداشت متفاوت از متن مقدمه وجود دارد؛ گروهی تنها وثاقت مشایخ بدون واسطه علی بن ابراهیم را برداشت می‌کنند و گروهی، مجموعه راویان اسناد پیش از علی بن ابراهیم را توثیق کرده‌اند.

۱. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴.

۲. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۰۲.

۳. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۴۹.

۴. داوری، اصول علم الرجال، ج ۱، ص ۲۷۳.

۵. رحمان ستایش، قواعد توثیق راویان، ص ۶۳.

بر اساس دیدگاه کسانی که کل کتاب و مقدمه را از علی بن ابراهیم می‌دانند، ۴۳۸ عنوان راوی توثیق می‌شوند، و براساس دیدگاه کسانی که بخش‌هایی از کتاب و البته مقدمه را از علی بن ابراهیم می‌دانند ۲۸۷ عنوان راوی توثیق خواهند شد.^۱

آیت‌الله شاهرودی در این همانی کتاب تفسیر علی بن ابراهیم تردید نداشته، و صدور تفسیر حاضر و مقدمه آن را از علی بن ابراهیم می‌داند، اما در برداشت از مقدمه کتاب و مستند مذکور بر این باور است که قدر متیقن این شهادت، تنها وثاقت مشایخ مستقیم علی بن ابراهیم را می‌رساند.^۲ ایشان در باب پرداختن به روایات فرار از زکات، به روایتی^۳ می‌پردازد که در آن محمد بن خالد التمیمی الطیالسی است؛ و با توجه به عدم توثیق خاص وی، تنها دلیل توثیق او را این می‌داند که از مشایخ مباشر علی بن ابراهیم در تفسیر است.^۴ ایشان از این قاعده در موارد دیگری نیز بهره برده‌اند.^۵

البته یادآوری این نکته ضروری است که توثیق مشایخ علی بن ابراهیم تا جایی کارایی دارد که معارض، و به تعبیری عبارت جرحی برای مشایخ ایشان در کتب رجالی نیامده باشد. یعنی اگر رجالیون شخصی را تضعیف کرده باشند، در نظر ایشان، آن شخص از مرتبه وثاقت می‌افتد؛ اگرچه در اسناد تفسیر باشد.^۶

دوم. تردید در قاعده توثیق راویان کامل‌الزیارات: از دیگر مواردی که در توثیقات عام مطرح می‌شود، بحث از راویان کتاب کامل‌الزیارات است، و آن بر اساس عبارتی است که ابن قولویه قمی در مقدمه کتاب بیان می‌کند. ایشان می‌نویسد: «لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته و لا أخرجت فيه حديثاً روى عن الشاذ من الرجال يؤثر

۱. داوری، اصول علم الرجال، ج ۱، ص ۲۷۶، ۳۱۷.

۲. تقریرات درس خارج فقه، جلسه ۱۱۴، ۸۹/۷/۲۵.

۳. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۹۹: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «أَعَلَى الدِّينِ زَكَاةٌ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ تَبْرَهَ بِهِ فَأَمَّا إِنْ غَابَ عَنْكَ سَنَةٌ أَوْ أَقَلُّ أَوْ أَكْثَرَ فَلَا تُزَكِّهِ إِلَّا فِي السَّنَةِ الَّتِي يَخْرُجُ فِيهَا».

۴. تقریرات درس خارج فقه، جلسه ۴۵، ۸۸/۱۰/۲۲.

۵. همان، جلسه ۴۷، ۸۸/۱۰/۲۷.

۶. به عنوان مثال اسماعیل بن سهل از طرف نجاشی تضعیف شده است؛ اگرچه در اسانید تفسیر علی بن ابراهیم قمی واقع شده است. همان، جلسه ۹۳، ۸۹/۲/۱۹؛ همان، جلسه ۲۵۰، ۹۰/۱۱/۲۹.

ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث و العلم»^۱
شیخ حر عاملی همه راویان کتاب را ثقه می‌داند^۲، اما آیت‌الله خویی این توثیق را تنها
برای مشایخ بدون واسطه پذیرفته است.^۳

در این میان، آیت‌الله هاشمی شاهرودی راویان کتاب کامل‌الزیارات را به طور مطلق
توثیق نکرده، و با دید تردید بدان‌ها نگاه می‌کند.^۴ ایشان به هنگام بررسی سندی روایات،
صرف حضور در اسناد کامل‌الزیارات را کافی ندانسته^۵ و می‌گوید: «اگر کسی وقوع در
اسناد کامل‌الزیارات را موجب وثاقت بداند، روایت معتبر می‌شود.»^۶ ایشان در عین حال،
نظر خویش را به صراحت اعلام نکرده است. این شیوه برخورد، با راویان کتاب
کامل‌الزیارات در ارزیابی جعفر بن محمد بن حکیم نیز قابل مشاهده است. وی توثیق
نشده، اگرچه ادعا شده که ممدوح است، ولی آن هم ثابت نگردیده^۷، و شاید در صورت
عدم ورود جرح، در اثبات وثاقت وی کافی باشد.^۸

ب) توثیق مشایخ راویان

از بررسی عملکرد برخی راویان چنین استنباط می‌شود که آنها مقید بودند از ثقات نقل کنند
و این روش آنان منتج به قانونی شده است که مشایخ چنین راویانی ثقه هستند. به عبارت

۱. ابن قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۴.
۲. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۰۲.
۳. خویی، معجم الرجال، ج ۱، صص ۵۰-۵۱.
۴. البته به عنوان یک قرینه از آن بهره گرفته‌اند.
۵. تقریرات درس خارج فقه، جلسه ۲۲۶، ۹۶/۹/۱۴؛ همان، جلسه ۱۹۹، ۹۵/۱۰/۲۶؛ همان، جلسه ۸۶، ۹۴/۳/۵؛ همان، جلسه ۳۱۰، ۹۱/۷/۲۲؛ محمد بن عبدالله بن هلال نیز توثیق نشده است؛ هرچند در اسانید کامل‌الزیارات آمده است. همان، جلسه ۸۶، ۹۴/۳/۵؛ علی بن احمد بن اشیم: ایشان توثیق نشده است اما در کتاب کامل‌الزیارات آمده است، اگرچه از اصحاب امام رضا (ع) است. همان.
۶. همان، جلسه ۱۴۵، ۸۹/۱۰/۱۹.
۷. همان، جلسه ۷۰، ۸۹/۱/۸؛ همان، جلسه ۱۴۵، ۸۹/۱۰/۱۹.
۸. همان، جلسه ۳۱۹، ۹۱/۸/۹.

دیگر، شاگردان برخی راویان، خود را ملزم می‌کردند تا از اساتید ثقه نقل کنند و به این دلیل، وثاقت اساتید احراز می‌شود.^۱

اول. توثیق مشایخ شیخ صدوق: قاعده‌ای داریم که کثرت نقل اجلا از یک راوی می‌تواند بیانگر وثاقت او باشد. شیخ صدوق اگر از کسی روایت می‌کند، آن شخص در زمره ثقات قرار می‌گیرد. از عملکرد آیت‌الله شاهرودی به هنگام بحث از مشایخ شیخ صدوق مشاهده می‌شود که ایشان مجرد شیخوخیت و مشایخ صدوق بودن را موجب وثاقت نمی‌دانند^۲؛ زیرا صدوق از عامه هم شیوخ دارد.

بر این اساس، صرف کثرت نقل شیخ صدوق از یک راوی، تلازمی با وثاقت وی ندارد؛ اما اگر یادکرد استادی که از او بسیار نقل کرده، با عبارات ترضی (رضی الله عنه) همراه بود، مشروط به شیعه بودن وی، می‌توان حکم به وثاقت کرد.^۳ بنابراین ایشان سه شرط برای توثیق مشایخ صدوق قائل است: شیعی بودن راوی، کثرت نقل صدوق، و عبارات ترضی.

دوم. توثیق مشایخ ثقات سه گانه: شیخ طوسی در عده، آورده است که مشایخ محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی ثقه هستند و طایفه شیعه میان احادیث مُسند دیگر راویان و منقولات این سه نفر، و مشایخی که به این روش در نقل حدیث معروف شده‌اند - که تنها از ثقات روایت می‌کنند، یا از آنها به ارسال نقل می‌کنند - فرقی نمی‌نهد و بر این اساس به مرسلات ایشان نیز حتی در حالت انفراد عمل می‌کنند.^۴

این نظریه یک جنبه رجالی دارد (لا یروونَ إلا عَمَن یوثقُ بِهِ) و یک نظریه درایه‌ای دارد

۱. محمد بن سهل بن یسع اشعری: توثیق صریح نشده است، ولی شاید بتوان از مجموعه قراین اطمینان پیدا کرد که ایشان از اجلا و از معاریفی بوده است که بزرگان از او حدیث نقل کرده‌اند. همان، جلسه ۱۳۳، ۹۴/۱۱/۲۰؛ علی بن محمد بن زبیر: در کتب رجالی توثیق صریح نشده است البته ایشان از اجلا و محورهای مهم نقل کتب و روایات است. همان، جلسه ۱۹، ۸۸/۸/۱۱؛ سعدان بن مسلم که در مورد او قدحی وارد نشده و صاحب کتاب است و اجلا از او نقل می‌کنند. همان، جلسه ۲۶۸، ۹۱/۱/۲۲؛ صباح بن سیابه: توثیق نشده است اما از اشخاصی است که بزرگان و برخی از اصحاب اجماع مانند حماد بن عثمان و ابان بن عثمان از ایشان نقل روایت می‌کنند. همان، جلسه ۲۸۷، ۹۱/۳/۲.

۲. احمد بن عبدالله بن احمد ابی‌عبدالله برقی از مشایخ صدوق بوده، ولی توثیق نشده است. همان، جلسه ۴۰۷، ۹۲/۷/۳۰.

۳. همان، جلسه ۳۹۵، ۹۲/۶/۳۱.

۴. طوسی، العدة، ج ۱، ص ۱۵۴.

(لا يَرْسَلُونَ إِلَّا عَمَّنْ يَوْثُقُ بِهِ). آیت الله شاهرودی ضمن بیان دیدگاه آیت الله خوئی در عدم پذیرش این نظریه^۱، بین دیدگاه رجالی این نظر، و دیدگاه درایه‌ای آن تفکیک قائل شده و بین مراسیلی که از یک نفر ارسال شده، و مراسیلی که بیش از یک نفر مانند مواردی که می‌گوید عن غیر واحد نیز تفاوت قائل است و مورد دوم را می‌پذیرد.^۲

ایشان بر این باور است که جنبه رجالی نظریه، درباره راوی مباشر و بلا واسطه این سه نفر قابل قبول است.^۳ به بیان دیگر، مشایخ بدون واسطه ابن ابی عمیر، صفوان و بزندی از نظر آیت الله شاهرودی جملگی ثقه هستند. ایشان به صراحت مراسیل ابن ابی عمیر را رد نموده^۴، و مراسیلی را هم که مستقیماً از امام نقل شده باشد، نمی‌پذیرد.^۵

وی با تکیه بر همین قاعده، اسماعیل بن مرار^۶، ابو محمد وابشی^۷، ابی ربیع شامی^۸، قاسم بن عروه^۹، هشام صیرفی^{۱۰}، معاویه بن میسر^{۱۱}، معاویه بن شریح^{۱۲}، قاسم بن محمد جوهری^{۱۳}، سعدان بن مسلم^{۱۴}، سعید بن عمر^{۱۵}، زید نرسی^{۱۶}، و اسباط بن سالم^{۱۷} را ثقه

۱. تقریرات درس خارج فقه، جلسه ۹، ۸۸/۷/۲۵.

۲. همان، جلسه ۱۹، ۸۸/۸/۱۱.

۳. همان، جلسه ۲۳۹، ۹۰/۱۰/۱۹؛ همان، جلسه ۳۲۲، ۹۱/۸/۱۶.

۴. همان، جلسه ۲۷۷، ۹۱/۲/۱۶؛ همان، جلسه ۱۵۷، ۸۹/۱۲/۷.

۵. همان، جلسه ۱۰۹، ۸۹/۷/۱۳؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله هاشمی شاهرودی، استفتانات، فوریه/۲۰۲۲، hashemishahroudi.org/fa/questions/381.

۶. ایشان ذیل توثیق اسماعیل بن مرار به بیان نکات تفصیلی در خصوص رجال پرداخته‌اند. ن.ک: همان، جلسه ۱۴۳، ۸۹/۱۰/۱۴.

۷. همان، جلسه ۲۸۴، ۹۱/۲/۳۰.

۸. همان، جلسه ۱۳۶، ۹۴/۱۲/۱۰؛ همان، جلسه ۱۳۷، ۹۴/۱۲/۱۱.

۹. همان، جلسه ۱۴۲، ۸۹/۱۰/۱۳.

۱۰. همان، جلسه ۳۵۱، ۹۱/۱۱/۳۰؛ همان، جلسه ۳۵۲، ۹۱/۱۲/۱.

۱۱. همان، جلسه ۱۸۷، ۹۰/۲/۳۱.

۱۲. همان.

۱۳. همان، جلسه ۸۰، ۹۴/۲/۲۲.

۱۴. همان، جلسه ۲۶۸، ۹۱/۱/۲۲.

۱۵. همان، جلسه ۹۹، ۸۹/۳/۴.

۱۶. همان، جلسه ۲۲۰، ۹۶/۸/۲.

۱۷. همان، جلسه ۲۶۸، ۹۱/۱/۲۲.

می‌داند و سدید صیرفی را که فاقد توثیق و تضعیف است، به دلیل نقل محمد بن ابی عمیر از او توثیق می‌کند.^۱

سوم. نقل بزرگان و اجلا: مرحوم هاشمی شاهرودی در خلال بحث وجوب زکات، به روایتی برخورد می‌کند که در آن نام ابراهیم بن هاشم آمده است و این چنین به وثاقت ایشان می‌پردازد: «ابراهیم بن هاشم در کتب رجالی توثیق صریح ندارد، اما اشکال سندی وارد نیست؛ زیرا ابراهیم بن هاشم اگرچه توثیق صریح ندارد، ولی کسی مانند ایشان نیازی به توثیق ندارد؛ زیرا ایشان از اجلای اصحاب ماست که حدود ۴ هزار روایت دارد در کافی و غیر کافی از کتب اربعه و از معاریف و اساطین روات احادیث شیعه است و اولین کسی است که احادیث الکوفیین را در قم منتشر ساخته، و اجلای روات از قمیون از ایشان روایت کرده، و مورد تسالم و قبول همه روات معتبر قمیون آن زمان مثل محمد بن عیسی و اشعریون و غیره بوده است که خیلی هم در رابطه با روات دقت می‌کردند و از هرکسی اخذ روایت نمی‌کردند.»^۲

در این عبارت، نقل اجلا از ابراهیم بن هاشم سبب توثیق و معتبر دانستن منقولات ایشان می‌شود.

در خصوص نقل اجلا از ابراهیم بن عقبه نیز این قاعده مدنظر قرار گرفته است. ابراهیم ظاهراً از خواص امام رضا علیه السلام بوده است. گرچه صریحاً توثیقی برای وی نیست، اما آقای شاهرودی روایت اجلای روات از او را به عنوان یک قرینه شمرده^۳، و معتقد است چون مکاتبات از او نقل شده است، و معاریف از وی نقل کرده‌اند، و در اسانید کامل الزیارات هم آمده است، از اجلا محسوب می‌شود.^۴ در نتیجه ابراهیم بن عقبه در زمره ثقات قرار می‌گیرد، و می‌توان روایات وی را معتبر دانست.

۱. همان، جلسه ۱۹، ۸۸/۸/۱۱.

۲. همان، جلسه ۱۱۴، ۸۹/۷/۲۵.

۳. همان، جلسه ۴۳۳، ۹۲/۱۱/۱.

۴. همان، جلسه ۱۳۴، ۹۴/۱۲/۸.

ج) توثیق بر اساس مبانی خاص

برخی از مبانی و دیدگاه‌ها باعث می‌شود روشی خاص مبنی بر صحت روایت به دست آید، که هم برگرفته از بررسی سندی، و هم یک بحث درایه‌ای است. مقام وکالت از معصوم، مشایخ اجازه، کثیرالروایه و... مقاماتی است که بعضی، از آن توثیق راوی را فهمیده‌اند.

اول. اجتهاد در راوی‌شناسی: آیت‌الله شاهرودی در راوی‌شناسی، قراین متعددی را در ارزیابی‌های خود دخیل می‌کند.^۱ ایشان در هنگام پرداختن به سدیر که در روایات زیادی از طرف امام معصوم علیه السلام مدح شده است، او را از بزرگان طائفه می‌داند که اصحاب ائمه علیهم السلام از ایشان روایت نقل می‌کنند. ایشان همچنین به دیدگاه‌های مخالف اشاره می‌کند که برخی رجالین، این تعابیر را دلالت بر وثاقت نمی‌دانند. بر این اساس، برخی تعابیر بر بیش از وثاقت دلالت می‌کند؛ زیرا هم مدح، و هم تجلیل است. استفاده از گزاره‌های تاریخی در شناخت روات نیز در رسیدن به نتیجه مطلوب کمک می‌کند که ایشان از آن غافل نبوده است.^۲

ایشان همچنین، به سخن شیخ طوسی در ذکر محمد بن فضیل اشاره می‌کند که عبارت *یُرْمی بالغلو* را آورده است و می‌گوید: «این تضعیف ظهور در نفی وثاقت ندارد، بلکه ظاهرش تضعیف در اعتقاد است و یا لا اقل مجمل است. مخصوصاً اینکه شیخ طوسی گفته است: «یُرْمی بالغلو»؛ و کانه برای خود شیخ غلوش ثابت نشده است و الا می‌گفت «غال». و ادعا و رمی به غلو را در رجال، اصلاً تضعیف نبایستی حساب کرد؛ حتی از نظر اعتقادی، فضلاً از نظر وثاقت؛ چون یک وقت باب بوده است هرکسی چند روایت درباره مناقب اهل بیت علیهم السلام و کرامات آنها نقل می‌کرد متهم به غلو می‌شده است و یک حساسیتی ایجاد شده بود راجع به روات ناقل این گونه احادیث.»^۳ این بیان، نمونه‌ای است برای اجتهاد در راوی‌شناسی، در عین تحفظ بر مبنای خود نسبت به قول رجالی از باب شهادت.

۱. همان، جلسه ۹، ۸۸/۷/۲۵؛ همان، جلسه ۷۰، ۸۹/۱/۸؛ همان، جلسه ۵، ۹۳/۷/۲۶؛ همان، جلسه ۱۸۲، ۹۵/۸/۱۶ بحث طبقات؛ همان، جلسه ۲۲۸، ۹۰/۹/۲۸؛ همان، جلسه ۳۵۱، ۹۱/۱۱/۳۰؛ جلسه ۳۵۲، ۹۱/۱۲/۱.

۲. همان، جلسه ۱۹، ۸۸/۸/۱۱؛ ن.ک: همان، جلسه ۹، ۸۸/۷/۲۵.

۳. همان، جلسه ۹، ۸۸/۷/۲۵.

یکی از مباحثی که در بحث تعارض میان اقوال رجالیان مطرح می‌شود، تفکیک وجوه ضعف راویان است. یعنی یک رجالی ممکن است تضعیف را به مذهب یک راوی برگرداند، و یا تضعیف را به وثاقت وی. یعنی تضعیف وثاقت راوی را زیر سؤال ببرد یا اعتقاد او را.^۱ نمونه این تفکیک در بیان ایشان آمده است: «محمد بن سنان از طرف مرحوم شیخ تضعیف شده است، که محل بحث است آیا این ضعف به مذهب او بر می‌گردد یا به وثاقت؟ که بعید نیست به مذهب برگردد.»^۲

آیت‌الله هاشمی شاهرودی در مباحث مربوط به کفر، ذیل روایتی، به داود بن کثیر رقی رسیده، و آرای رجالیان را در تبیین شخصیت او بیان می‌دارد. ایشان پس از بیان نظرات نجاشی و ابن غضائری در تضعیف وی، ضمن اشاره به توثیق شیخ طوسی و مرحوم کشی، با بیان روایتی از امام صادق علیه السلام به نقل از اختصاص شیخ مفید، به توثیق رقی می‌رسد. ایشان می‌گوید: «برخی از بزرگان در اینجا گفته‌اند که شهادت نجاشی و دو شیخش، ابن غضائری و عبدالواحد، جرح و تضعیف است و با شهادت شیخ طوسی و مفید و کشی که تعدیل و توثیق است، معارض هستند و تساقط می‌کنند، و نتیجه، عدم ثبوت وثاقت این شخص است، و این روایت و سایر روایاتش محل اشکال خواهد شد.»^۳ آقای شاهرودی در ادامه به ارائه دیدگاه خود در این خصوص پرداخته و عنوان می‌کند: «مستظهر از کلام مرحوم نجاشی و دو شیخ دیگرش آن است که این بزرگواران شهادت به عدم وثاقت ندادند؛ بلکه شهادتشان به ضعف مذهب داود بن کثیر رقی است و اینکه گفته می‌شود مناکیر و احادیث غلو از ایشان نقل شده و یا غلات او را از خود دانسته‌اند - که بیش از این از شهادت آن دو بزرگوار استفاده نمی‌شود - صریح در عدم وثاقت نیست، ولیکن شیخ طوسی و کشی و مفید، شهادت به وثاقت، بلکه عدالت و جلالت او داده‌اند که صریح در توثیق است. بنابراین تعارض و اختلاف، در وثاقت خود شخص نبوده است تا شهادت به وثاقت وی، از حجیت ساقط شود. آنچه را که شیخ مفید

۱. محمد بن عیسی نیز که از اجلای روات است، شیخ صدوق وی را چون از غالین هم روایت می‌کرده است، ضعیف دانسته، وگرنه تضعیف شیخ صدوق نفی وثاقت این شخص نبوده است. همان، جلسه ۴۰۲، ۹۲/۷/۱۵.

۲. همان، جلسه ۴۰۱، ۹۲/۷/۱۳.

۳. همان، جلسه ۵، ۹۳/۷/۲۶.

نقل می‌کند، عدالت، بلکه جلالت و تقوای داود بن کثیر رقی نزد معصوم علیه السلام است؛ چون شیخ مفید آن مدح را با سندی معتبر از امام صادق علیه السلام در حق داود رقی نقل می‌کند. این چنین جاهایی آن روایتی که کلام امام علیه السلام را نقل می‌کند که این شخص ثقه است، مقدم است بر شهادتی که از غیر معصوم صادر شده است.^۱

نمونه دیگر، در خصوص علی بن ابی حمزه بطائنی است که تضعیف شدید شده است. البته بعضی، تضعیف را بر فساد عقیده او حمل کرده‌اند، اما ایشان در نهایت، ضعف او را مشهور می‌دانند.^۲ ایشان در جایی دیگر به پیشینه علی بن ابی حمزه و ماجرای واقفیه اشاره می‌کند و قائل است که چون معمولاً این روایات مربوط به قبل از وقفش بوده، روایت ایشان معتبر خواهد بود، اما آن را منوط به گردآوری قراین می‌داند.^۳ همچنین آیت‌الله شاهرودی قائل است اگر راوی از فطحیه یا زیدیه یا واقفیه باشد، به اعتبار روایت خللی وارد نمی‌شود.^۴ نمونه دیگر از اجتهاد در راوی‌شناسی آیت‌الله شاهرودی نسبت به سُلَیْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمَرْوَزِيِّ است. ایشان معتقد است که سلیمان، گرچه در کامل‌الزیارات آمده، و گفته شده است از اجلای اصحاب امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیه السلام است، اما صریحاً توثیق نشده است. ولی بزرگان، روایاتی را از او نقل کرده‌اند و مرحوم وحید هم از جد اعلایش مرحوم مجلسی نقل می‌کند که ایشان از اصحاب جلیل‌القدر امام رضا علیه السلام بوده است و شیخ صدوق هم از ایشان روایت نقل می‌کند که طرق ایشان به او معتبر است و شیخ طوسی هم به ایشان طریق دارد، و مجموع این امور شاید برای وثاقت کافی باشد.^۵

۱. همان.

۲. همان، جلسه ۲۵۹، ۹۰/۱۲/۱۵.

۳. همان، جلسه ۱۶۹، ۹۰/۱/۱۶.

۴. حسن بن معی بن سماعه و حمید بن زیاد از مشاهیر واقفیه هستند، اما به ثقه تعبیر شده و گفته‌اند مصنفات‌شان از اصول مذهب است و از اعیان اصحاب امام صادق و امام باقر علیه السلام اصول را نقل کرده‌اند. همان، جلسه ۱۱۹، ۹۴/۱۰/۲۱.

۵. همان، جلسه ۴۳۰، ۹۲/۱۰/۲۳.

د) توثیق خاندان‌ها

در این تقسیم‌بندی، برخی از خاندان‌های محدثان، که راویان جلیل‌القدری از آنها برخاسته‌اند، به صورت عام، توثیق شده‌اند. یعنی افراد یک خاندان، به طور کلی توثیق می‌شوند.

اول. توثیق خاندان آل شعبه: یکی از خاندان‌های روایی که به وثاقت از آنها یاد می‌شود، متعلق به ابوشعبه از اصحاب امام حسن و امام حسین علیهما السلام است. نجاشی در شرح حال احمد بن عمر بن ابی شعبه عبارت «و كانوا ثقات»^۱ را آورده، و در شرح حال عبیدالله بن علی بن ابی شعبه عبارت «و كانوا جمیعهم ثقات» را بیان می‌کند^۲، که نشانگر توثیق خاندان ابی شعبه است.

آیت‌الله شاهرودی این نظریه را می‌پذیرد و در تحویل اسناد، آن را به کار می‌بندد و هنگامی که در بررسی اسناد به نام محمد بن عبیدالله برخورد می‌کند، او را به واسطه اینکه از آل شعبه است موثق دانسته، و سخن نجاشی را به عنوان شاهد مثال ذکر می‌کند، و اشکال کسانی را که محمد بن عبدالله را توثیق نمی‌کنند، وارد نمی‌داند.^۳

دوم. تعویض سند: یکی از کسانی که نظریه تعویض سند را مطرح کرده است، شهید صدر است. ایشان در تعریف تعویض سند می‌گوید: «فرض دخل و تصرف در سندی که نقطه ضعفی در آن هست، و تبدیل آن به سندی دیگر را تعویض گویند؛ خواه این ضعف، در قسمت اول سند باشد یا به قسمت دوم آن برگردد، یا به اعتبار ضعف تمام مسند باشد.»^۴

یکی از مباحث طرح شده در درس آیت‌الله شاهرودی همین مسأله تعویض سند است که ایشان در ذیل روایتی^۵ در خصوص زکات، این نکته را مورد استناد قرار می‌دهد:

«این روایت را شیخ طوسی در مبدأ سند، از علی بن حسن بن فضال نقل می‌کند که

۱. نجاشی، رجال، ص ۹۸.

۲. همان.

۳. تقریرات درس خارج فقه، جلسه ۷۰، ۸/۱/۸۹.

۴. کاوند، «نظریه تعویض از دیدگاه شهید صدر»، مجله حدیث و اندیشه، شماره ۲، ص ۱۰۰.

۵. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۳۱: عَلِيُّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَخِيهِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «فِي رَجُلٍ مَالُهُ عَنْهُ غَائِبٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى اخْتِزِهِ قَالَ فَلَا زَكَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى يَخْرُجَ فَإِذَا خَرَجَ زَكَاةَ لِعَامٍ وَاحِدٍ وَإِنْ كَانَ يَدْعُهُ مُتَعَمِّدًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى اخْتِزِهِ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ لِكُلِّ مَا مَرَّ بِهِ مِنَ السَّنِينَ».

سابقاً گفتیم در طریق شیخ به علی بن حسن بن فضال ابن زبیر است که در کتب رجالی توثیق صریح نشده است. البته ایشان از اجلا و محوره‌های مهم نقل کتب و روایات است. البته مرحوم آقای خوبی که این اشکال را داشته است، در برخی از نوشته‌ها سعی کرده‌اند آن اشکال را حل کنند و گفته‌اند چون نجاشی هم، طریق معتبری به کتب علی بن حسن بن فضال دارد، و در طریق نجاشی ابن زبیر نیست، و آن طریق، معتبر است. ایشان می‌فرماید: کتب ابن فضال معروف بوده و اینها همان کتب و رساله‌های معروف است که شیخ طوسی از آنها به طریق خود نقل می‌کند. پس می‌توانیم این قطعه از سند را تعویض کنیم و طریق نجاشی را بگذاریم به جای طریق شیخ طوسی. این را نظریه تعویض سندی می‌گوییم، که البته این حرف در جای خودش قابل مناقشه است، و این‌گونه تعویض سندی به ترتیبی که ایشان در این مورد انجام داده‌اند قابل قبول نیست؛ چون اولاً چگونه اثبات شود که همهٔ رسائل و کتاب‌های ابن فضال که نزد شیخ بوده به نجاشی هم رسیده باشد؟ مضافاً بر اینکه شاید برخی از آن نسخ، اختلاف داشته باشد و در نسخهٔ نجاشی، این روایت نباشد. بنابراین از این طریق تصحیح مبدأ سند میسور نیست.»^۱

در این عبارت، مرحوم شاهرودی شیوهٔ تعویض سند را می‌پذیرد، اما به کارگیری آن را در این روایات، موجب تصحیح سند نمی‌داند. یعنی اصل تعویض سند در نگاه ایشان پذیرفته است، اما در این روایت کاربردی ندارد.

۲. اعتبار سنجی کتب حدیثی

به طور کلی تا سدهٔ پنجم هجری و زمان شیخ طوسی، مبنای تألیفات محدثان متقدم، کتاب محوری بوده است؛ از این رو در قرون اولیه، نویسندگان بزرگ، هنگام بررسی روایات، توجه کمتری به سند داشتند و در پی آن بودند که روایت در کدام یک از کتب متقدم آمده است. یکی از نیازهای یک فقیه و عالم رجالی، بحث کتاب‌شناسی و تحلیل محتوای کتب حدیثی و فقهی کهن است. مرحوم شاهرودی نیز در خلال مباحث علمی خود، به بیان دیدگاه خود در خصوص برخی کتب پرداخته‌اند که در ادامه بدان می‌پردازیم.

۱. تقریرات درس خارج فقه، جلسهٔ ۱۹، ۸۸/۸/۱۱.

اول. کتاب فقه رضوی: مرحوم آیت الله هاشمی شاهرودی در بحث نصاب‌های زکات، به ذکر روایتی می‌پردازد که این روایت از کتاب فقه رضوی نقل شده است و به همین مناسبت بیان می‌کند که فقه رضوی، کتاب روایی نبوده است، بلکه به احتمال قوی کتاب فتوا و یا تجميع احادیث علی بن حسین بن موسی بن بابویه، پدر شیخ صدوق باشد.^۱

دوم. کتاب دعائم الاسلام: استاد در باب زکات و شرایط آن هنگامی که به روایتی از کتاب دعائم الاسلام می‌رسد، به صراحت این کتاب را فاقد سند می‌داند.^۲

سوم. کتاب حسین بن عثمان: ایشان در این همانی کتاب تردید و تشکیک می‌کند و اصل کتاب حسین بن عثمان را معتبر دانسته، و طریق مرحوم نجاشی به آن را صحیح می‌داند.^۳

چهارم. نهج البلاغه: مرحوم هاشمی شاهرودی در ذیل مباحث مربوط به خمس به حدیثی از خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه اشاره می‌کند و به همین مناسبت بیان می‌دارد: «از نظر سند، اصل نهج البلاغه مسلم است؛ ولی جمله جمله خطبه‌ها اگر مورد شک قرار گیرد، سند معتبر مستقل از ذکر در نهج البلاغه می‌خواهد، که البته برخی از خطب نهج البلاغه سند معتبر دارد. مانند عهدنامه امام علیه السلام به مالک اشتر، و برخی از موارد دیگر.»^۴

در بحث سند شناسی، مباحث مربوط به منابع و کتب روایی، برگرفته از بیانات آقای شاهرودی ارائه گردید، و ایشان نظرات خود پیرامون برخی کتب و منابع روایی را بیان نمود. اما معیار ارزیابی حدیث، تنها منبع مورد اعتماد نیست و آیت الله شاهرودی معتقد است خیر ثقه در سه جا از حجیت ساقط می‌شود: ۱- اگر معارض با دلیل قطعی السند مانند آیات قرآن شریف و یا سنت قطعی الصدور شود، یعنی با آن معارض باشد، به نحوی که قابل جمع عرفی نباشد. ۲- جایی که قطع به خلافش باشد. ۳- جایی که مشهور، از عمل به آن اعراض کرده باشند.^۵

۱. همان، جلسه ۷۹، ۸۹/۱/۲۴.

۲. همان، جلسه ۱۱۰، ۸۹/۰۷/۱۸.

۳. همان، جلسه ۳۲۱، ۹۱/۸/۱۵.

۴. همان، جلسه ۳۲۲، ۹۱/۸/۱۶.

۵. همان، جلسه ۱۱۱، ۸۹/۰۷/۱۹؛ همان، جلسه ۱۱۴، ۸۹/۷/۲۵؛ همان، جلسه ۱۴۱، ۸۹/۱۰/۱۲؛ همان،

جلسه ۴۲۱، ۹۳/۹/۱۲؛ همان، جلسه ۴۶۸، ۹۳/۲/۱۵.

جمع بندی و نتیجه گیری

آیت الله شاهرودی وثاقت صدوری می باشد و شهرت فتوایی، شهرت روایی، اجماع و عمل صحابه را در پذیرش یا رد روایت دخیل می داند. مراسیل ابن ابی عمیر از نظر ایشان معتبر نیست و در پذیرش کتبی مانند فقه رضوی و دعائم الاسلام تردید جدی دارد، و به طور کلی اگر به وثاقت یک راوی نرسد، روایات آن را نمی پذیرد؛ حتی اگر تعداد زیادی روایت از ایشان نقل شده باشد، مگر اینکه بتوان از روایات ضعیف به عنوان مؤید استفاده نمود. ایشان همچنین مشایخ مستقیم در تفسیر علی بن ابراهیم قمی را ثقه می داند و برخلاف آیت الله خویی دایره وثاقت را محدود می کند. راویان کتاب کامل الزیارات را به طور مطلق توثیق نمی کند، و با دید تردید به ایشان می نگرند، و مشایخ صدوق را به سه شرط شیعی بودن راوی، کثرت نقل صدوق و عبارت ترضی می پذیرد.

منابع و مآخذ

۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف: دار المرتضویة، چ ۱، ۱۳۵۶ ش.
۲. خویی، ابو القاسم، معجم رجال الحدیث، [بی جا]: مؤسسة الخوئی الإسلامية، چ ۱، بی تا.
۳. داوری، شیخ مسلم، أصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، [بی جا]: محمد علی معلم، چ ۱، ۱۴۱۶ ق.
۴. دلبری، سید علی، آشنایی با اصول علم رجال، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ ۱، ۱۳۹۱ ش.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۷۳ ش.
۶. رحمان ستایش، محمد کاظم، قواعد توثیق راویان، قم: دار الحدیث، چ ۱، ۱۳۹۶ ش.
۷. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب طوسی، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۸. _____، العدة فی أصول الفقه، قم: تیزهوش، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.
۹. عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چ ۳، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ ق.

۱۱. کاوند، علیرضا، «نظریه تعویض از دیدگاه شهید صدر»، مجله حدیث و اندیشه، شماره ۲، قم: دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۲، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۶، ۱۳۶۵ ش.
۱۴. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله هاشمی شاهرودی، استفتانات، ۵/فوریه/2022، [.hashemishahroudi.org/fa/questions/381](http://hashemishahroudi.org/fa/questions/381)

